

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله عقیده اسلامی ۱۴

ایمان به سامبران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على
رسول الله و على آله و اصحابه الى يوم الدين و
اما بعد :

ارکان ایمان شش تا هستند و دلیل بر آن این فرموده الله تعالی می باشد: ﴿لَيْسَ الْإِيمَانُ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْإِيمَانَ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَآلَمَتِيكَهٖ وَآلَكَتَبِ وَالنَّبِيِّنَ﴾ (بقره ۱۷۷)

یعنی: نیکی این نیست که روی خود را به سوی مشرق و مغرب کنید بلکه نیکی این است که به الله، روز آخرت، ملائکه، کتابها و پیامبران ایمان داشته باشید. و از سنت حدیث جبریل است که از پیامبر ج سؤال می کند و می گوید: «أخبرني عن الإيمان قال أن تؤمن بالله وملائكته وكتبه ورسله واليوم الآخر وتؤمن بالقدر خيره وشره قال صدقت». متفق علیه: بخاری (۵۰) و مسلم (۸).

«مرا از ایمان خبر ده، ایشان فرمودند: ایمان عبارت است از این که ایمان بیاوری به یگانگی خدا، به ملائکه، به پیامبران، به روز قیامت، به سرنوشت؛ (یعنی تقدیر)، و ایمان بیاوری به خیر و شر آن. گفت: راست گفتی.»

حال در این مقاله به بررسی ایمان به پیامبران و چگونگی آن خواهیم پرداخت.

مسلمان اعتقاد دارد که خداوند از میان مردم، پیامبرانی برگزیده و شرایع خود را به آنان وحی کرده است و به خاطر اتمام حجت انسانها در روز قیامت، از پیامبران خود تعهد گرفته است تا احکام او را به مردم ابلاغ کنند. خداوند

پیامبران خود را همراه با دلیل فرستاده و به وسیله معجزه، آنان را تأیید کرده است. نبوت همراه با رسالت، از زمان حضرت نوح آغاز شده و با رسالت حضرت محمد صلی الله علیه وسلم خاتمه یافته است.

ایمان به پیامبران خدا واجبی از واجبات دین و رکن بزرگی از ارکان ایمان به حساب می آید که کتاب و سنت بر آن دلالت دارند. اگر چه پیامبران خدا، بشر بودند و مانند سایر مردم، می خوردند، می نوشیدند، مریض می شدند، صحت می یافتند، بیاد می آوردند، فراموش می کردند، می زیستند و می مردند، در عین حال از کاملترین و بهترین مخلوقات خدا بودند و بدون استثناء از بهترین بندگان او بشمار می رفتند.

ایمان هیچ مسلمانی، بدون ایمان داشتن به حقانیت آنان، تمام و کامل نمی شود. ایمان اجمالی به همه آنها و ایمان تفصیلی نسبت به حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه وسلم برای مؤمن شدن، ضروری است. این باور و عقیده مؤمن برگرفته از دلایل عقلی و نقلی است که به شرح آنها می پردازیم.

الله تعالی می فرماید: ﴿ءَامَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّن رُّسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا﴾ (بقره ۲۸۵)

«پیامبر و مؤمنان به آنچه به سوی او از جانب پروردگار نازل شده ایمان دارند و همگی به الله، ملائکه، کتابها و پیامبران

ایمان دارند. بین هیچکدام از پیامبران فرقی نمی نهند و می گویند شنیدیم و اطاعت کردیم».
 الله تعالی ایمان به پیامبران را در جمله ای که در آن می فرماید پیامبر و مؤمنان به آن ایمان دارند، از ارکان ایمان ذکر نموده است و بیان فرموده که آنها در ایمانشان به پیامبران بین هیچکدام از آنها تفاوتی قائل نیستند به گونه ای که به بعضی ایمان بیاورند و به بعضی کافر شوند، بلکه تمام آنها را تصدیق می کنند.

و خداوند در کتابش حکم کسی که ایمان به پیامبران را ترک کند، بیان نموده است؛ می فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا ۖ أُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا﴾ (نساء: ۱۵۰-۱۵۱)

«به راستی آنان به خدا و فرستادگانش کفر می ورزند و می خواهند در میان خدا و فرستادگانش جدائی بیندازند و می گویند به برخی ایمان می آوریم و برخی (دیگر) را انکار می کنیم و می خواهند بین این (و آن) راهی برگزینند این گروه در حقیقت کافرنند».

خداوند لفظ کفر را بر کسانی که پیامبران را تکذیب می کنند، یا بین آنها فرق می گذارند و به بعضی ایمان می آورند و بعضی را قبول ندارند، بکار برده است. سپس بیان می کند که آنها به حقیقت کافر هستند یعنی کسانی که کفرشان تحقق پیدا کرده و به صراحت آن را بیان کرده اند.

همانگونه که خداوند در مقابل آن، آنچه که اهل ایمان بر آن هستند را بیان کرده است. می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ أُولَٰئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أَجْرُهُمْ ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا﴾ (نساء: ۱۵۲)
 «کسانی که به خداوند و رسولانش ایمان دارند و بین آنها فرقی نمی گذارند آنها بزودی پاداششان را خواهیم داد و خداوند آمرزنده ای مهربان است»

آنها وصف شده اند به اینکه به خدا و پیامبرانش بدون اینکه بین آنها تفاوتی قائل شوند، ایمان دارند و معتقدند که همه آنها فرستادگانی از جانب الله تعالی می باشند.

سنت نیز به مانند قرآن، ایمان به پیامبران را رکنی از ارکان ایمان می داند که دلیل بر آن حدیث جبریل می باشد که قبلاً متن آن در مبحث ایمان به ملائکه آورده شده است که در آن پیامبر (ص) در جواب سؤال جبریل؛ در مورد ایمان فرمود: «أَنْ تُؤْمِنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ

وَالْيَوْمِ الْآخِرِ...» «به الله، ملائکه، کتابهای آسمانی، پیامبران و روز قیامت ایمان داشته باشی...» ایمان به پیامبران را همراه با بقیه ارکان ایمان که بر مسلمان پذیرش و معتقد بودن به آن واجب است را ذکر نموده است.

پیامبر صلی الله علیه وسلم هنگام دعا در نماز تهجد می فرمود: «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ قَيِّمُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ أَنْتَ الْحَقُّ وَوَعْدُكَ الْحَقُّ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ وَلِقَاؤُكَ الْحَقُّ

وَالْجَنَّةُ حَقٌّ وَالنَّارُ حَقٌّ وَالنَّبِيُّونَ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ حَقٌّ»
 ... «پروردگارا حمد و ثنا برای تو که نور آسمانها و زمین هستی. حمد و ثنا برای تو که برپا دارنده آسمانها و زمینی. حمد و ثنا برای تو که پروردگار آسمانها و زمین و آنچه در آن است، هستی. تو حق هستی و وعده ات حق است، سخت حق است، دیدار تو حق است. بهشت و جهنم تو حق هستند و پیامبران تو حق هستند و قیامت حق است ...»
 بخاری (۷۴۹۹).

شهادت دادن پیامبر صلی الله علیه وسلم به اینکه پیامبران حق هستند ضمن اینکه آنچه از اصول بزرگ ایمان مانند ایمان به خداوند و به وجود بهشت و جهنم و برپایی قیامت را ذکر نموده، پیش انداختن آن قبل از دعایش دلیل بر اهمیت ایمان به پیامبران و جایگاه آن در دین می باشد.

اقرار به واجب بودن ایمان به پیامبران و اینکه آن از بزرگترین تکیه گاه های دین و از بزرگترین خصلتهای ایمان می باشد، و هرکس پیامبران یا یکی از آنها را تکذیب نماید او با انکار این رکن عظیم از ارکان ایمان نسبت به خداوند بلند مرتبه دچار کفر صریح شده است.

دلایل عقلی:

۱ - ربوبیت و مهربانی خداوند اقتضاء می کند که پیامبرانی برای هدایت بشر بفرستد تا از یکسو خدا را به نحو شایسته ای به مردم معرفی کنند و از سوی دیگر انسانها را برای رسیدن به کمال و سعادت دین و دنیا هدایت نمایند.

۲ - خداوند هدف آفرینش انسان را (عبادت کردن) معرفی نموده است و این هدف والا می‌طلبد که خداوند پیامبرانی را که از جنس بشرند، بسوی آنها بفرستد تا کیفیت عبادت کردن را به آنها بیاموزند و شیوه اطاعت خدا را برای مردم توضیح دهند، زیرا انسان همانطور که قرآن گفته است برای این هدف مهم یعنی عبادت پروردگار آفریده شده است.

۳- پاداش و کیفر در برابر طاعت و معصیت نفس، و تطهیر و آلوده کردن آن، اقتضاء می‌کند که خداوند پیامبرانی برای انسانها مبعوث کند، تا در روز قیامت نگویند که خداوند! ما شیوه عبادت و بندگی را نمی‌دانستیم و یاد نداشتیم که چگونه تو را بندگی کنیم، گناه و معصیت را تشخیص نمی‌دادیم تا از آن دروی کنیم، بنابراین دلیلی ندارد که ما را عذاب دهی.

در چنین حالتی است که مردم علیه خدا اتمام حجت خواهند کرد. برای آنکه مردم در روز قیامت چنین بهانه‌هایی نداشته باشند، مقتضی است که خداوند، پیامبرانی برای ارشاد و هدایت آنها بفرستد تا مانع بهانه جویی‌های آنها شود، خداوند خود در این خصوص می‌فرماید:

﴿رُسُلًا مُّبْتَلِينَ وَمُنْذِرِينَ لَعَلَّ الْإِنْسَانَ يَلْجَأُ إِلَى اللَّهِ حُجَّةً بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾ (النساء: ۱۶۵).

«ما پیامبران را فرستادیم تا (به مؤمنان) بشارت دهند و (کافران را) بترسانند، و بعد از آمدن پیامبران، حجت و دلیلی بر خدا برای مردم باقی نمانده و (نگویند که اگر پیغمبری

بسوی ما می‌فرستادی ایمان می‌آوردیم و عبادت می‌کردیم) خداوند، مقتدر و کارهایش از روی حکمت

ثمرات ایمان به پیامبران:

هنگامی که ایمان به پیامبران تحقق یابد آثار آن بر اهل ایمان مفید و نتایج آن سودمند خواهد شد که عبارتند از:

۱. علم پیدا نمودن به رحمت الله تعالی و توجه او به مخلوقاتش از آنجا که پیامبران گرامی را برای هدایت و راهنمایی آنها ارسال نموده است.
۲. شکر نمودن الله تعالی به خاطر بخشیدن این نعمت بزرگ.
۳. محبت داشتن نسبت به پیامبران و گرامی داشتن و تعظیم آنها بر آنچه لایق به آنهاست زیرا آنها فرستادگان الله تعالی و برگزیده بندگان هستند و آنها رسالت الله تعالی را برای مخلوقاتش تبلیغ نمودند و نهایت پند و اندرز را برای اقوامشان بکار بردند و بر اذیت‌های آنان صبر نمودند.

تعریف نبی و رسول و تفاوت بین این دو:

نبی از نظر لغت از نبأ مشتق شده و به معنی خبری است که دارای فایده بزرگی باشد. الله تعالی می‌فرماید: ﴿عَمَّ

يَتَسَاءَلُونَ ۖ عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ﴾ (نبأ ۱-۲)

«از چه سؤال می‌کنند؟ از آن خبر بزرگ». بدین خاطر نبی نامیده شده چون خبر دهنده از طرف خداست و از جانب خدا خبر می‌دهد پس نبی هم خبر داده شده و هم خبر دهنده است.

و گفته شده النبوة مشتق شده است و آن یعنی چیز بلند.

اگر نبی بر این معنا باشد: بخاطر بلندی جایگاه او بر سایر مردم است. الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا﴾ (مریم ۵۷)

«و او را بر مکانی بلند مرتفع گردانیدیم».

رسول در لغت از ارسال مشتق شده و به معنی راهنمایی کردن است. الله تعالی از ملکه سبأ اینگونه خبر می‌دهد: ﴿وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِم بِهَدِيَّةٍ فَنَظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ﴾ (نمل ۳۵)

«همانا من هدیه ای توسط فرستادگان به سوی ایشان فرستاده ام پس منتظرم ببینم که فرستادگان به همراه چه چیزی برمی‌گردند».

علما در تعریف کلی از نبی و رسول در شرع اختلاف دارند که ترجیح آن این است:

نبی کسی است که خداوند به او وحی نموده به آنچه او انجام و به وسیله آن به مؤمنان دستور می‌دهد.

رسول کسی است که خداوند به او وحی نموده و او را به سوی کسانی که مخالف امر خداوند هستند، فرستاده تا رسالت خداوند را ابلاغ نماید.

فرق بین این دو (نبی و رسول):

نبی کسی است که خداوند به وسیله امر و نهی اش به او خبر می‌دهد تا مؤمنان را مورد خطاب قرار دهد و آنها را به آن امر نماید و او کافران را مورد خطاب قرار نمی‌دهد و به سوی آنها فرستاده نمی‌شود.

اما رسول کسی است که به سوی کافران و مؤمنان فرستاده شده تا رسالت خداوند را به آنها برساند و به عبادت خداوند آنها را دعوت نماید.

و شرط رسول بودن این نیست که با شریعت جدید بیاید مانند یوسف که بر دین ابراهیم، داود و سلیمان بر شریعت تورات قرار داشتند و همه آنها رسول بودند. الله تعالی می فرماید: ﴿وَلَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ مِنْ قَبْلُ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا زِلْتُمْ فِي شَكٍّ مِمَّا جَاءَكُمْ بِهِ حَتَّى إِذَا هَلَكَ قُلْتُمْ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا﴾ (غافر ۳۴)

«یوسف از قبل با دلایل روشن به سوی شما آمد ولی شما پیوسته به آنچه به سوی شما می آمد در شک بودید تا وقتی که از دنیا رفت گفتید خداوند بعد از او هرگز فرستاده ای را برنخواهد انگيخت»

و می فرماید: ﴿إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّنَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ وَعِيسَى وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَآتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا﴾ (نساء ۱۶۳-۱۶۴)

«ما به تو وحی کردیم همانگونه که به نوح و پیامبران بعد از او وحی نمودیم و همچنین به ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب، اسباط، عیسی، ایوب، یونس، هارون و سلیمان وحی کردیم و به داود زبور را عطا نمودیم. همچنین به پیامبران قبل از تو که قصه ایشان را بازگو کرده ایم و پیامبرانی که

داستان آنها را برایت بازگو نموده ایم وحی کردیم و خداوند با موسی سخن گفت».

بر نبی، رسول نیز بکار رفته است همانگونه که الله تعالی می فرماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنْسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ (حج ۵۲)

«پیش از تو هیچ رسول و نبی ای نفرستادیم مگر اینکه هرگاه چیزی تلاوت می نمود شیطان در تلاوتش القا می کرد پس خداوند آنچه را که شیطان القا می کرد محو و نابود می گردانید سپس خداوند آیات خود را استوار می ساخت و خداوند دانای حکیم است».

الله تعالی ذکر می کند که نبی و رسول را فرستاده است. و بیان آن بدین شیوه است که الله تعالی هنگامی که به نبی برای دعوت مؤمنان امر می نماید پس او فرستاده شده از جانب الله به سوی آنهاست ولی این ارسال تنها خاص ایمانداران است. اما ارسال مطلق، فرستادن رسولان برای کافران و مؤمنان می باشد.

پیامبران اولوالعزم:

پیامبران اولوالعزم کسانی هستند که صاحب بردباری و صبر بسیار بوده اند. الله تعالی می فرماید: ﴿فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ﴾ (احقاف ۳۵)

«پس چنانکه پیامبران اولوالعزم شکیبائی ورزیدند، شکیبا باش».

علما در مورد اولوالعزم اختلاف دارند. گفته شده مراد از اولوالعزم تمام پیامبران است. حرف "من" در سخن { مِنْ الرُّسُلِ } برای بیان جنس است و برای برتری بعضی از پیامبران نمی باشد. ابن زید می گوید: "كل الرسل، كانوا أولى عزم لم يبعث الله نبياً إلا كان ذا عزم وحزم ورأى وكمال عقل" «اولوالعزم منظور همه پیامبران است.

خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرده مگر اینکه صاحب اراده، بردباری، رأی و کمال عقل بوده است». و گفته شده آنها پنج نفر هستند: نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و محمد صلی الله علیهم وسلم. ابن عباس می گوید: "أولو العزم من الرسل النبي صلى الله عليه وسلم ونوح وإبراهيم وموسى وعيسى" «اولوالعزم از پیامبران،

پیامبرص، نوح، ابراهیم، موسی و عیسی است» و این قول مجاهد، عطاء خراسانی و بسیاری از متأخرین اهل علم است. خداوند این پنج نفر را با هم در دو جا از کتابش ذکر نموده و این سخن به آن استدلال اشاره دارد. مکان اول در سوره احزاب می باشد. الله تعالی می فرماید: ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ نُوْحٌ وَإِبْرَاهِيمُ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا﴾ (احزاب ۷)

«و چنین بود که از پیامبران عهدشان را گرفتیم و (نیز) از تو و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی بن مریم (عهدتان را) و از آنان پیمانی استوار گرفتیم».

مکان دوم در سوره شوری می‌باشد. الله تعالی می‌فرماید:

﴿ شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ ﴾ (شوری ۱۳)

«از دین، آنچه را که به نوح در باره آن سفارش کرد برای شما تشریع کرد و آنچه را به تو وحی کردیم و آنچه را که در باره آن به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش نمودیم که دین را برپا دارید و در آن متفرق نشوید».

تعدادی از مفسرین گفته‌اند: "وجه تخصیصهم

بالذكر الإعلام بأن لهم مزيد شرف وفضل لكونهم من أصحاب الشرائع المشهورة ومن أولى العزم من الرسل "وجه تخصیص آنها با ذکر نامشان به خاطر این است که بزرگی و شرف آنها از صاحبان شریعت‌های مشهور بیشتر است و آنها پیامبران اولوالعزم می‌باشند».

این پنج نفر برترین پیامبران و بهترین فرزندان آدم می‌باشند. از ابوهریر هس روایت است که پیامبر ص فرمودند: **خيار ولد آدم خمسة نوح وإبراهيم وعيسى وموسى ومحمد صلى الله عليه وسلم وخيرهم محمد صلى الله عليه وسلم وصلى الله وسلم عليهم أجمعين** «بهترین فرزندان آدم پنج تن هستند: نوح، ابراهیم، عیسی، موسی و محمد ص و بهترین آنها محمد ص است که سلام و درود خدا بر همه آنها باد». (آخرجه البزار انظر كشف الاستار ۳/ ۱۱۴))

و برترین آنها محمد صلی الله علیه وسلم است به دلیل آنچه که بخاری از ابوهریر هس روایت می‌کند که پیامبر ص می‌

فرماید: **أَنَا سَيِّدُ وَلَدِ آدَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَأَوَّلُ مَنْ يَنْشَقُّ عَنْهُ الْقَبْرَ وَأَوَّلُ شَافِعٍ وَأَوَّلُ مُشَفِّعٍ** «من روز قیامت سرور فرزندان آدم و اولین کسی هستم که قبرش شکافته می‌شود و اولین شفاعت کننده و اولین کسی هستم که شفاعتش پذیرفته می‌شود». مسلم (۲۲۷۸)

کیفیت ایمان به پیامبران:

ایمان به پیامبران اعتقاد داشتن به آن چیزی است که خداوند در کتابش و پیامبر صلی الله علیه وسلم در سنتش بصورت اجمالی و تفصیلی خبر داده‌اند.

ایمان مجمل یعنی اعتقاد قطعی به اینکه الله تعالی در میان هر امتی رسولی را برای دعوت کردن به پرستش خداوند به تنهایی که شریکی برای او نیست و کافر شدن به آنچه جز خداوند عبادت می‌شود، فرستاده است. الله تعالی می‌فرماید: **﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾** (نحل ۳۶)

«و به یقین در (میان) هر امتی رسولی را برانگیختیم که خداوند را بندگی کنید و از طاغوت بپرهیزید». و اعتقاد به اینکه همه آنها صادق، خیرخواه، هدایت کننده، بزگوارانی نیکوکار، اهل تقوا، امین و هدایتگرانی هدایت شده هستند. الله تعالی می‌فرماید: **﴿هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ﴾** (یس ۵۲)

«این همان وعده خدای رحمن است و پیامبران راست می‌گفتند».

خداوند بعد از بیان دسته بزرگی از انبیاء و پیامبران می‌فرماید: **﴿وَمِنْ آبَائِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَإِخْوَانِهِمْ وَاجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾** (انعام ۸۷-۸۸)

«و برخی از پدران و فرزندان و برادرانشان (را هدایت کردیم) و آنان را برگزیدیم و آنان به راه راست هدایت کردیم. این هدایت پروردگار است هر کس از بندگانش را که بخواهد هدایت می‌کند».

و اینکه تمام آنها (پیامبران) بر راه حق روشن هستند. و با هدایت آشکار همراه با دلایل روشن از جانب پروردگارشان به سوی قوم‌های خود آمدند. الله تعالی داستانی از اهل بهشت را برایمان اینگونه بازگو می‌فرماید: **﴿لَقَدْ جَاءَتْ رَسُولُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ﴾** (اعراف ۴۳)

«پیامبران پروردگار ما به وسیله حق آمدند»

و می‌فرماید: **﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾** (حدید ۲۵)

«پیامبرانمان را با دلایل روشن فرستادیم و همراه آنها کتاب و میزان را نازل کردیم تا بین مردم عدالت را برپا دارند».

اصل و اساس دعوت همه پیامبران یکی بوده و آن دعوت نمودن به سوی توحید الله تعالی است اما شریعت‌هایشان با هم فرق میکرد. الله تعالی می‌فرماید: **﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِيَ إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ﴾** (انبیاء ۲۵)

«و ما قبل از تو هیچ رسولی را نفرستادیم مگر اینکه به او وحی کردیم که هیچ معبود برحق جز من نیست پس مرا بپرستید»

و می فرماید: ﴿لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا﴾ (مائده: ۴۸)

«برای هر یک از شما شریعت و راه روشنی قرار دادیم».

پیامبران تمام آنچه را که از طرف خداوند بر آنها فرستاده شده بود را با پیامی روشن ابلاغ نمودند و به وسیله آن بر مردم اتمام حجت کردند. الله تعالی می فرماید: ﴿لِيَعْلَمَ أَنَّ قَدْ أَتْلُوهُ رِسَالَتِ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا﴾ (جن: ۲۸)

«تا معلوم بدارد که رسالتهای پروردگارشان را به انجام رسانده اند. و (خداوند) به آنچه که در نزد آنان است احاطه دارد و همه چیز را بر شمرده است»

و می فرماید: ﴿رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِغَلَا يُكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ﴾ (نساء: ۱۶۵)

«رسولانی مژده آور و بیم دهنده (فرستادیم) تا برای مردم پس از (ارسال) رسولان بر خداوند حجتی باقی نماند». و واجب است ایمان داشته باشیم به اینکه پیامبران، بشر و مخلوق خداوند و آنها چیزی از خصوصیت و ویژگی ربوبیت را ندارند. آنها بندگان هستند که خداوند آنها را به وسیله رسالت گرامی داشته است. الله تعالی می فرماید:

﴿قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ خُنُّنَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ﴾ (ابراهيم: ۱۱)

«پیامبران به آنها گفتند که ما جز بشری مانند شما نیستیم ولی خداوند بر هر یک از بندگان که بخواهد منت می نهد. الله تعالی از زبان نوح؛ می فرماید:

﴿وَلَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ﴾ (هود: ۳۱)

«به شما نمی گویم که گنجینه های خداوند نزد من است و نمی گویم که علم غیب می دانم و نمی گویم که ملائکه هستم»

الله عزوجل به پیامبر ما محمدص امر می کند که به قومش بگوید:

﴿قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِنْ أَتَيْتُمْ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ﴾ (انعام: ۵۰)

«بگو نمی گویم که گنجینه های خداوند نزد من است و من علم غیب نمی دانم و نمی گویم که ملائکه هستم جز آنچه به سوی من وحی می شود پیروی نمی کنم».

همچنین از جمله چیزهایی که واجب است در حق پیامبران به آن معتقد باشیم این است که آنها از جانب خداوند یاری و تأیید شده اند و سرانجام رستگاری و خوشبختی برای آنها و پیروانشان است. الله تعالی می فرماید:

﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ﴾ (غافر: ۵۱)

«ما پیامبران و کسانی که در زندگی دنیا به آنها ایمان آوردند و روزی که شاهدان به پا می خیزند، را نصرت و یاری می دهیم»

همچنین واجب است به برتری پیامبران بر آنچه الله عزوجل خبر داده معتقد باشیم. الله تعالی می فرماید: ﴿تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ﴾ ﴿تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ﴾ (بقره: ۲۵۳)

«ما بعضی از پیامبران را بر بعضی دیگر فضیلت و برتری دادیم و از آنها کسانی هستند که خداوند با او سخن گفته است».

پس ایمان به همه اینها و تمام آنچه در کتاب و سنت در باره پیامبران بر وجه عموم بصورت مجمل آمده، واجب است. اما ایمان مفصل و شرح داده شده این است که به آنچه الله تعالی در کتابش و پیامبرص در سنتش ایمان نامیده، مؤمن باشیم. ایمان مفصل، به مانند آنچه است که نصوص (قرآن و سنت) از ذکر نامها، اخبار، فضیلتها و ویژگیهایشان آورده است.

در قرآن از بیست و پنج نبی و رسول نام برده شده است.

ذکر هیجده نفر آنها در این سخن الله تعالی است:

﴿وَتِلْكَ حُجَّتُنَا ءَاتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَىٰ قَوْمِهِ ۚ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مِّنْ نَّشَأٍ ۚ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ﴾ ﴿وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ ۚ كُلًّا هَدَيْنَا ۚ وَنُوحًا هَدَيْنَا مِن قَبْلُ ۚ وَمِن ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَىٰ وَهَارُونَ ۚ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾

وَيَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِلْيَاسَ ۚ كُلٌّ مِّنَ الصَّالِحِينَ ﴿٨٦﴾
وَأِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيُوسُفَ وَهُودًا ۚ وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَى
الْعَالَمِينَ ﴿٨٧﴾ (انعام: ۸۳ - ۸۶)

«و این حجت ماست. آن را به ابراهیم بر (ضد) قومش دادیم. هر کس را بخواهیم در مراتب (و منزلت) فرا می‌بریم، بی گمان پروردگارت کاردان داناست. و اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم، هر یک (از آنان) را هدایت کردیم و به نوح (نیز) پیش از این راه نمودیم. و از فرزندان او (ابراهیم) داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون (را نیز هدایت کردیم). و بدینسان به نیکوکاران پاداش می‌دهیم. و (نیز) زکریا و یحیی و عیسی و الیاس (را هدایت کردیم) هر یک (از آنان) از صالحان بودند. و (نیز) اسماعیل و یسع و یونس و لوط (را هدایت کردیم) و هر یک (از آنان) را برجهانیان (روزگارشان) برتری دادیم»

و ذکر بقیه آنها در جاهای دیگر از قرآن آمده است. الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَإِلَىٰ عَادِ أَخَاهُمْ هُودًا﴾ (اعراف ۶۵)
«و به سوی عاد برادرشان هود را فرستادیم»

ایمان به این انبیاء و فرستادگان بصورت تفصیلی واجب است. و اقرار کردن به اینکه هریک از آنها بر اساس آنچه خداوند و رسولش صلی الله علیه وسلم از آنها خبر داده‌اند صاحب نبوت یا رسالت می‌باشند.

همچنین واجب است به درستی آنچه نصوص از ذکر فضیلتها، ویژگیها و خبرهایشان آمده، معتقد باشیم مانند اینکه خداوند ابراهیم و محمد را به عنوان خلیل برگزیده است. الله تعالی می‌فرماید:

﴿وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا﴾ (نساء: ۱۲۵)

«و خداوند ابراهیم را به عنوان خلیل برگزید»

و پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ اتَّخَذَنِي خَلِيلًا كَمَا اتَّخَذَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا»

«خداوند همانگونه که ابراهیم را به عنوان خلیل برگزید مرا نیز برگزیده است». مسلم (۵۳۲).

مانند سخن گفتن الله تعالی با موسی. الله تعالی می‌فرماید:

﴿وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَىٰ تَكْلِيمًا﴾ (نساء: ۱۶۴)

«و خداوند با موسی سخن گفت».

ایمان به پیامبران به دو بخش مجمل و مفصل تحقق پیدا می‌کند. و الله تعالی اعلم.